بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی - 21 /آذر/ 1391

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

اولاً خوشامد عرض میکنم به شما مهمانان عزیز، از کشورهای مختلف، و همچنین به اساتید عزیز و محترم دانشگاه‌های خودمان.

تقریباً از یك سال و نیم پیش تا امروز دیدارها و اجلاسها و نشستهای متعددی درباره‌ی بیداری اسلامی در تهران تشکیل شده، لیکن به نظرم میرسد که اجلاس و نشست اساتید از یك اهمیت ویژه‌ای برخوردار است ؛ زیرا ایجاد یك فکر، یك گفتمان، یك جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است ؛ به دست اندیشمندان جامعه است ؛ آنها هستند که میتوانند فکر ملتها را به یك سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملتها شود ؛ همچنان که خدای نخواسته میتوانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملتها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد.

روایتی است از رسول مکرم اسلام، حضرت محمدبن‌عبدالله، که میفرماید: «لا تصلح عوامّ هذه الأمّة الا بخواصّها قیل یا رسول‌الله و من خواصّها قال العلماء» ؛ اول علما را ذکر کرد، بعد چند دسته‌ی دیگر را. بنابراین اساتید دانشگاه، فرزانگان و نخبگان علمی در هر کشوری میتوانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند ؛ البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد. اگر ترس نبود، شجاعت بود، اگر طمع نبود، اگر غفلت نبود، هوشیاری و بیداری بود، آن وقت کار درست خواهد شد.

اوائل انقلاب، سی و یکی دو سال قبل از این، در یك قضیه‌ی بسیار مهمی، من و دو نفر دیگر که آن روز عضو شورای انقلاب بودیم، از تهران رفتیم قم خدمت امام - امام آن وقت هنوز در قم بودند، تهران نیامده بودند - تا نظر ایشان را نسبت به آن قضیه و اقدام مهم بپرسیم. وقتی قضیه را برای ایشان شرح دادیم، امام رو کردند به ما، گفتند از آمریکا میترسید؟ گفتیم نه. گفتند پس بروید اقدام کنید. ما هم آمدیم اقدام کردیم و موفق شدیم. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر گرایشهای انحرافی پا در میان گذاشت، کارها مشکل خواهد شد.

امروز دنیا با یك حادثه‌ی عظیم مواجه است ؛ این حادثه‌ی عظیم عبارت است از بیداری اسلامی ؛ این یك حقیقت است. ملتهای مسلمان و امت اسلامی بتدریج بیدار شده‌اند. امروز دیگر تسلط بر ملتهای مسلمان، به آسانی بعد از جنگ اول جهانی و در دورانهای طولانیِ قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیست. امروز اگر مستکبرین عالم بخواهند بر ملتهای مسلمان مسلط شوند، کار دشواری دارند. بیداری وارد امت اسلامی شده و رسوخ و نفوذ کرده است. در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیمهای فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن این، بخشی از بیداری اسلامی است ؛ همه‌ی بیداریِ اسلامی نیست. بیداری اسلامی گسترده است، عمیق است.

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» میترسند ؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواره‌ی واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها میلرزد. اینها از اسلامِ برده‌ی دلار نمیترسند ؛ از اسلامِ غرق در فساد و اشرافیگری نمیترسند ؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهائی در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمیترسند ؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لینصرنّ الله من ینصره»، (1) میترسند. وقتی اسم این اسلام می‌آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان میلرزند - «کأنّهم حمر مستنفرة. فرّت من قسورة» (2) - لذا نمیخواهند عنوانِ بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این یك بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی‌ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند.

البته باید آسیب‌شناسی کرد ؛ این آن نکته‌ی اوّلی است که میخواهم به شما عرض کنم. این حرکتهای دنیای اسلام را، این انقلابهائی که در مصر و تونس و لیبی و امثال اینها اتفاق افتاده است و به پیروزی رسیده است، آسیب‌شناسی کنید ؛ خطراتش چیست؟ مشکلاتش کجاست؟ چرا میگوئیم آنچه که اتفاق افتاده است، قطعاً اسلامی است؟ شعارهای مردم را نگاه کنید ؛ در طول این مدت، نقش معتقدان به اسلام را در اسقاط رژیمهای فاسد ببینید. اگر معتقدین به اسلام و جمعیتهای عظیمی که در بین مردم جایگاه دارند و از بن دندان معتقد به اسلامند، نبودند، این اجتماعات عظیم در مصر و تونس تشکیل نمیشد. فشاری که حرکت مردم و حضور توده‌ی مردم آورد، بناهای پوسیده‌ی امثال حسنی مبارك و بن‌علی را ساقط کرد. مردمِ مسلمان بودند با شعار اسلامی. نقش اسلامگراها در اسقاط این نظامها خودش اقوی شاهد است برای اینکه این حرکت، حرکت اسلامی است. بعد هم در هرجا نوبت رأی دادن فرا رسید، مردم رفتند سراغ اسلامگراها ؛ آنها را تقویت کردند، آنها را ترجیح دادند. و من به شما عرض بکنم ؛ امروز تقریباً در سرتاسر دنیای اسلام - ممکن است معدودی استثناء داشته باشد - اگر یك انتخاباتِ خوبِ آزادی برگزار شود و رهبران مسلمان و سیاسیون مسلمان وسط میدان باشند، مردم به آنها رأی خواهند داد. همه جا همین جور است. بنابراین بلاشك حرکت، حرکت اسلامی است.

خب، گفتیم آسیب‌شناسی کنید. در کنار آسیب‌شناسی‌ها، تبیین هدفهاست. اگر هدفها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می‌آید، آشفتگی به وجود می‌آید. باید هدفها تبیین شود. یکی از مهمترین هدفهای این بیداری، رهائی از شرّ سلطه‌ی استکبار جهانی است ؛ این را باید صریح گفت. اینکه ما خیال کنیم استکبار جهانی به سردمداری آمریکا، در مقابل حرکتهای اسلامی ممکن است کنار بیاید، این خطاست. اگر اسلام باشد، اسلامیت باشد، اسلامی‌ها باشند، آمریکا با همه‌ی وجود تلاش میکند آنها را از بین ببرد ؛ البته ظاهراً لبخند خواهد زد. حرکتهای اسلامی چاره‌ای ندارند، باید حد فاصل خودشان را مشخص کنند. نمیگویم بروند به جنگ آمریکا، میگویم بدانند موضع آمریکا و استکبار غربی در مقابل آنها چیست ؛ این را درست تشخیص دهند. اگر این تشخیص را ندهند، قطعاً فریب خواهند خورد و سرشان کلاه خواهد رفت.

امروز استکبار جهانی با ابزار پول و سلاح و علم دارد بر دنیا فرمانروائی میکند ؛ اما در خلأ فکر قرار دارد، در خلأ اندیشه‌ی راهنما قرار داد. امروز استکبار جهانی این مشکل بزرگ را دارد ؛ فکری ندارد که به بشریت ارائه دهد ؛ هیچ ایده‌ای ندارد برای ارائه کردن و راه نشان دادن به توده‌های مردم، به خواص مردم، به روشنفکران. اما شما دارید ؛ شما اسلام را دارید. وقتی فکر داریم، وقتی نقشه‌ی راه داریم، میتوانیم هدفهامان را ترسیم کنیم، میتوانیم بایستیم ؛ در این صورت سلاح آنها و علم آنها و پول آنها، آن تأثیری را که در گذشته داشت، نخواهد داشت ؛ البته نه اینکه بی‌تأثیر است. ما باید در مقابل آنها هم فکر کنیم - که حالا اگر وقت باشد، خواهم گفت - لیکن در درجه‌ی اول این است که ما فکر و نقشه‌ی راه و ایدئولوژی داشته باشیم ؛ بدانیم چه کار میخواهیم بکنیم.

هدفها باید ترسیم شود. یکی از هدفهای مهمی که در این انقلابها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است ؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه‌ی تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمانند، اما در خدمت آنهایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم ؛ اسمشان مسلمان است، اما یك ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمیکند. اسلام مال همیشه‌ی دنیاست، اسلام مال همه‌ی قرنهاست، اسلام مال همه‌ی دورانهای پیشرفت بشری است ؛ جوابگوست. آن فکری که بتواند پاسخگوئی اسلام را به این نیازها بفهمد، باید آن را پیدا کرد. بعضی‌ها این فکر را ندارند ؛ فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. در نهایت هم یك وقتهائی انسان می‌بیند که در یك مواردی سرشان با سر مزدوران دشمن در یك آخور است! شریعت اسلامی را و فکر اسلامی را محور فعالیت خودمان قرار بدهیم ؛ این هم یکی از هدفهاست.

یکی دیگر از هدفها، نظام‌سازی است. اگر در این کشورهائی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید میکند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یك تجربه‌ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش ؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار ؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند ؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلابها از بین رفت، بلکه حتّی آن کسانی که به نام آن انقلابها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند ؛ خودشان هم خراب شدند. هم در تونس این اتفاق افتاد، هم در مصر این اتفاق افتاد، هم در سودان آن روز این اتفاق افتاد. حدوداً در سالهای 1343 یا 1344 یا 1345، من و چند نفر از دوستان در مشهد رادیوی صوت‌العرب را گرفته بودیم و گوش میکردیم - که صوت‌العرب مصر از قاهره پخش میشد - آنجا سخنرانی جمال عبدالناصر و معمر قذافی و جعفر نُمیری را که هر سه در یك جا جمع شده بودند، با هم پخش میکرد. ما در مشهد زیر فشار استبداد و دیکتاتوری له میشدیم، اما از این حرفهای تند و آتشین به هیجان می‌آمدیم و لذت میبردیم. خب، عبدالناصر که از دنیا رفت، دیدید جانشینهایش چه کردند ؛ قذافی هم دیدید چه جوری شد ؛ نُمیری هم که وضعش معلوم بود چه جوری شد. خود آن انقلابها هم عوض شدند ؛ هم فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهائی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود ؛ باید یك قاعده‌ی مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است.

یکی دیگر از مسائل مهم، حفظ پشتیبانی‌های مردمی است ؛ نباید از مردم منقطع شوند. مردم توقعاتی دارند، نیازهائی دارند. قدرت حقیقی هم در اختیار مردم است. آنجائی که مردم اجتماع میکنند، آنجائی که مردم همدل میشوند، آنجائی که یك مردم همدل و همجهتی پشت سر مسئولان و رهبران کشور می‌ایستند، آنجا جائی است که آمریکا و بزرگتر از آمریکا هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. مردم را باید حفظ کرد، باید نگه داشت ؛ و این از عهده‌ی شماها برمی‌آید ؛ از عهده‌ی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین. از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند ؛ برای مردم تبیین کنند، روشن کنند که چه میخواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند، تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست ؛ مردم را آگاه و بابصیرت نگه دارند، آن وقت هیچ صدمه‌ای نمیتواند وارد شود.

یك مسئله‌ی دیگر، تربیت علمی جوانهاست. باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند ؛ یکی از ابزارهاشان علم بود ؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه». (3) باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را میپیچانند. جوانهاتان را به علم تشویق کنید ؛ این کار ممکن است ؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیفهای آخر آخر علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمیشد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی میکنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه‌ی شانزدهم دنیاست. این مال چند ماه قبل از این است. خود آن مراکزی که این بیان را کردند، پیش‌بینی کردند و گفتند تا چند سال دیگر - معین کردند تا چه سالی ؛ مثلاً تا ده سال، دوازده سال دیگر - ایران به رتبه‌ی تك‌رقمی خواهد رسید ؛ آنها گفتند چهارم در دنیا. این به این خاطر است که شتاب علمی در ایران، شتاب زیادی است. البته ما از دنیا هنوز خیلی عقبیم. شتاب ما چندین برابر متوسط شتاب دنیاست، اما باز عقبیم. اگر با این شتاب پیش برویم، به جلو خواهیم رسید. این حرکت در دنیای اسلام باید ادامه پیدا کند. کشورهای اسلامی دارای استعدادند. جوانهای خوبی داریم، جوانهای خوبی دارید ؛ استعدادهای خوبی هستند. یك روز در بخشی از تاریخ، علم دنیا دست ما مسلمانها بوده ؛ چرا امروز اینجور نشود؟ چرا توقع و انتظار نداشته باشیم که تا سی سال دیگر دنیای اسلام بشود مرجع علمی دنیا، که همه برای مسائل علمی به کشورهای اسلامی مراجعه کنند؟ این آینده‌ی ممکنی است ؛ همت کنیم، تلاش کنیم. اینها همه‌اش به برکت اسلام و به برکت انقلاب پیش می‌آید. نظام دینی

اثبات كرد كه ميتواند سرعت و شتاب بيشترى داشته باشد.
يك مسئلهى اساسى ديگر - كه نزديك ظهر است، وقت نماز است و بايد برويم - مسئلهى وحدت است. امروز به شما عرض كنم: برادران! خواهران! ابزارى كه در دست دشمنان ما ميتواند فعال شود و از آن حداكثر استفاده را دارند ميكنند، اختلافات است ؛ اختلاف شيعه و سنى، اختلاف قوميتها، اختلاف مليتها، تفاخرهاى غلط. مسئلهى شيعه و سنى را دارند بزرگ ميكنند، سعيشان اين است اختلاف ايجاد كنند. مىبينيد در كشورهاى اسلامى، در همين كشورهاى انقلاب كرده، اختلاف ايجاد ميكنند ؛ در نقاط ديگر دنياى اسلام اختلاف ايجاد ميكنند ؛ همه بايد بيدار باشند، همه بايد هشيار باشند. غرب و آمريكا دشمن دنياى اسلام است ؛ با اين چشم بايد به حركات آنها نگاه كرد. تحريك ميكنند، سازمانهاى جاسوسىشان مشغول فعاليتند ؛ هرجا دستشان برسد، تخريب ميكنند. در قضيهى فلسطين تا آنجائى كه توانستند، كارشكنى كردند ؛ البته شكست خوردند. ما داريم پيش ميرويم، دنياى اسلام دارد پيش ميرود.
اين مسئلهى اخير فلسطين، خيلى مسئلهى مهمى است. بين غزه و بين دولت صهيونيست كه مدعى است قويترين ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق مىافتد ؛ آنگاه وقتى ميخواهند آتشبس ايجاد كنند، آن طرفى كه براى آتشبس شرط ميگذارد، فلسطينىهايند! اين باوركردنى است؟ ده سال پيش اگر به شما اين حرف را ميزدند، چه كسى باور ميكرد كه يك روزى بين فلسطينىها - نه همهى فلسطينىها ؛ يك گوشهاى از فلسطينىها، غزه - و بين رژيم صهيونيستى جنگى اتفاق بيفتد، براى آتشبس آن جنگ، فلسطينىها شرط بگذارند؟ آفرين بر فلسطينىها! آفرين! آفرين بر حماس و جهاد و گردانهاى مبارزى كه در فلسطين، در غزه جنگيدند و شجاعت نشان دادند! شجاعت اين است. من به سهم خودم از همهى مبارزين فلسطين تشكر ميكنم ؛ به خاطر فداكارىاى كه كردند، به خاطر تلاشى كه كردند، به خاطر صبرى كه كردند، و ديدند كه «انّ مع العسر يسرى». (4) اگر چنانچه ما صبر كرديم، اين صبر موجب ميشود كه خداى متعال فرج را برساند. صبر كردند، ايستادگى كردند، خداى متعال فرج را رساند ؛ اين درس است ؛ براى خود آنها هم درس است، براى ديگران هم درس است. اين وحدت بين مسلمانها را دست كم نگيريد ؛ مسئلهى مهمى است.
اين نكتهاى كه برادر بحرينى ما اينجا گفتند - سكوت دنياى اسلام نسبت به بحرين - راست است. آنچه كه موجب ميشود بعضىها در اين زمينه سكوت كنند، متأسفانه همين مسائل مذهبى است. يعنى ملتى اگر بر عليه يك حكومت فاسدى قيام كرد، بايد از آن ملت دفاع كرد ؛ مگر اينكه آن ملت شيعه باشد - مثل بحرين - آن وقت نبايد دفاع كرد! اين منطق در بعضى وجود دارد. اينها را بايد كنار گذاشت.
دشمن را بايد شناخت، ابزارهاى دشمن را بايد شناخت، حيلههاى دشمن را بايد شناخت ؛ از كجا وارد ميشود؟ ما با اين نگاه در قضيهى سوريه موضعگيرى كرديم. ما با آمدن خون از بينى يك انسان مسلمان هم موافق نيستيم و دردمان مىآيد. ما ميگوئيم آن كسانى كه سوريه را به جنگ داخلى دارند ميكشانند، مقصرند. آن كسانى كه سوريه را دارند به سمت تخريب و برادركشى ميكشانند و كشاندهاند، مقصرند. همهى خواستههاى ملتها بايد از طرق متعارف، معمولى و بدون خشونتهاى اينجورى حل شود.
اميدواريم خداى متعال همهى ما را هدايت كند. اميدواريم خداوند متعال به حركات شماها بركت دهد. اميدواريم ان‌شاءالله خداى متعال اين بيدارىهاى باعظمت دنياى اسلام را به آيندهى روشن و منور و پر بركتى براى امت اسلامى برساند.
والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته

1) حج: 40
2) مدثر: 50 و 51
3) شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابى‌الحديد، ج 20، ص 319
4) شرح: 6